

اسلام ستیزی

حقی هر

ایرانی است

مانی

پیکاری

نشریه‌ی کانون فرهنگی خرافه زدایی

شماره ۴۷ - سال نهم - دی ماه ۱۳۸۸ ایرانی

ژانویه ۲۰۱۰ مسیحی - ۱۳۸۸ تقویمی عربی

آن که زرتشت را

با محمد تاخت زند

جز باخت ندارد

ک - ملک

روسی خانه‌ها مکانهای مقدس توی هستند از محافل دینی. زیرا روسی خانه‌ها آرام‌بخش و خاموش کننده غرایز جنسی و شهوت مهار نشدنی دوران جوانی است که می‌تواند فاجعه بیافریند. روسی خانه‌ها مانع شیوع بیماریهای مقاربی مانند ایدز و سوزاک و سفلیس هستند، چون زیر نظارت بهداشتی دولت‌ها قرار می‌گیرند، و خوبی‌های روانی دیگر، در صورتی که مراکز دینی جای تبلیغ خرافات، دروغ، حماقت و مهار کردن مغز انسانهاست، که همه این کجروی‌ها بسیار بسیار خطروناکتر از خطرویک روسی خانه است. با تجربه تاریخی این دو مکان به جرات می‌توان گفت روسی خانه‌ها مقدس‌تر از مراکز دینی هستند.

دکتر ناصر انقطع

دکتر م.ع. مهرآسا

دشمنی آخوندها، بازبان پارسی

یک ملت را سه ستون، نگه‌میدارد. فرهنگ، زبان و آیین‌های ملی. هرچند بسیاری از پژوهندگان، زبان، و آیین و جشن‌های ملی را بخشی از پنهانی فرهنگ یک ملت می‌دانند و درست هم هست. ولی دیده شده است که ملت‌هایی زبان خود را از دست داده‌اند، ولی فرهنگشان را نگهداشته‌اند.

مانند ملت مصر، تونس، الجزایر، و مانند اینها، در باره این ملت‌ها نیز باید دانست که به «فرهنگ» ایشان، بهانگیزه‌ی دگرگونی زبان، آسیب‌های فراوانی رسیده است. براین پایه، بیگانگان و جهانخواران برای سست کردن پایه‌های فرهنگی یک ملت، به دو بخش می‌تازند. «زبان» و «آیین‌های ملی»، زیرا آسیب رسیدن به این دو، خود به خود فرهنگ آن ملت را سست می‌کند.

یکی از پایگاه‌های ضد ملی در کشور ما، که همیشه بیگانگان از مانده در صفحه ۴

بررسی و تأملی در کتابهای موسوم به آسمانی!!

بخش (۱۸)

بدیهی است در این عصر و زمانه، آگاهان و روشن بیان میدانند که دین‌ها و آئین‌های آسمانی با مجموعه‌ی موهومات وابسته به ماوراء الطیعه، ارزش و جایگاه پیشین خود را از دست داده و به اموری دست و پاگیر و در بسیار خانواده‌ها به پدیده‌ای نفرت‌انگیز بدل شده‌اند. اگر در زمان‌های دور، دین را برای جنبه‌ی بسیار ضعیف اخلاقی اش ضروری دانسته‌اند، امروز با توجه به سطح شعور و آگاهی مردم؛ مخصوصاً جوانان، آن ذره تأثیر را نیز از دست داده و به امری مهمل و نیروئی مزاحم تبدیل شده است. آدمی تا گردنش از قلاده‌ی دین رها نشود، حتا در دموکرات‌ترین جوامع این قرن، آزاد نیست و راه کامیابی و اعتلا را نخواهد پیمود. وقتی مجبور باشد یکشنبه به کلیسا رود و طبق دستور کشیش، عبادت کند، او برده‌ی کشیش و به تبع آن برده‌ی وجودی ناپیدا و توهی به نام عیسی مسیح است.

فراموش نکنید: آخوندمنتظری یکی از دونفر بنیادگداران اصلی انقلاب سیاه ارتقای ایران بود که جز اندیشه اعتلای اسلام در سرنداشت. از او بت دیگری نسازید و مردمی را که به بهای گران در حال بیدار شدن هستند به گمراهی دیگر نکشانید.

همشهریان غیر مسلمان خود راندارد، با آنان عهد و میثاق صلح بست. بدیهی است این صلح نوعی تاکتیک جنگی بود و به دلیل نداشتن نیروی کافی برای جنگ و مبارزه بسته شد؛ تا آن گاه که ثروت و قدرت به حد کافی تأمین شد، به نبرد اقدام کند. وقتی چنین موقعیتی به دست آمد و حضرت تمام یهودیان مدینه را یا کشت و یا از شهر و دیار بیرون راند، نوبت به قریشیان مکه رسید. والبته به همان ترتیبی که بهانه گیری ها را نسبت به یهودیان مدینه در پیش گرفت، نوبت شروع بهانه گیری نسبت به اهالی مکه شد و حضرت این آیات را از زبان خدا برای توجیه حمله به مخالفان خود صادر فرمود.

آیه ۱: «ازاین پس خدا و رسولش از عهد مشرکانی که با شما مسلمین عهد بسته و شکستند، بیزاری جست»

کسی نپرسید: حضرت! اگر این کلام خدا و دستور الله است، چرا رسول را هم قاطعی کرده‌اید و می‌گوئید خدا و رسولش؟

آیه ۲: «پس به شما مشرکان تا چهار ماه دیگر مهلت داده می‌شود که در زمین گردش و آسایش کنید. (و چون این چهار ماه بگذرد) بدانید که شما برقدرت خدا غالب نخواهید شد و همانا کافران را خوار و ذلیل خواهد کرد»

زرنگی را بنگرید که می‌گوید در زمین گردش کنید... مردم در شهر و خانه‌های خود مشغول زندگی‌اند و محمد می‌خواهد پس از چهار ماه مهلت، یا آنها را از شهر براند و یا بکشد. ولی می‌فرماید در زمین گردش کنید. این اگر مکر نباشد، قطعاً نشان نابخردی است. زیرا عربی آیه نیز همین است که در زمین سیاحت کنید...

آیه ۵: «پس چون ماه‌های حرام (منظور همان چهار ماه است که مهلت داده بود...) بگذرند، آنگاه مشرکان را هرجا دیدید بکشید و یا دستگیر و محاصره کنید؛ و هر سو در کمین آنان باشید؛ و چنانچه توبه کردند و مسلمان شدند و نماز خواندند و ذکات دادند، از آنان دست بدارید که خدا آمرزنده و مهریان است»

درست دقت فرمائید، می‌گوید اگر آنها توبه کردند و مسلمان شدند و زکات دادند یعنی مقداری از ثروتشان را اهدا کردند، از آنان دست بردارید. در غیراین صورت، حتماً آنها را بکشید. این است دینی که مؤمنان کنونی اش ادعا دارند سراسر رافت و مهر است و با صلح و مسالمت توسعه یافت!

آری قدرت و مکنت فراهم شده و باید کار را یکسره کرد و نجد و حجază را به کل زیر فرمان آورد و سلطنت عربی را پایه نهاد؛ و عربستان قبیله‌ای را به امپراتوری تبدیل کرد. پس دستور قتل صادر می‌شود تا هرجا غیرمسلمانی یافتنند که سلطنت حضرت را نمی‌پذیرد، برای خاطر خدای غفور و رحیم، او را بکشید.

این سوره زمانی نوشته شده است که حضرت نیرومند شده دارائی و لشکر به قدر کافی وجود دارد و می‌تواند با قریشیان بتپرست و یهود و نصارائی که در اطراف و جوانب مدینه هنوز مانده‌اند بجنگد و نابودشان کند.

دنباله‌ی بورسی و تأملی در کتاب‌های موسوم به آسمانی!! در این میان، دین اسلام چون از یک سو به شدت سیاسی و استبدادی است، و از سوی دیگر مراسم و دستورهایش دشوار و وقتگیر و عمر بربادده است، از تمام آئین‌های پیشین خود هم مزاحم تر و هم حماقت زاتر است. این دین به پیروانش دستور می‌دهد روزانه پنج بار برابر سجاده باشند و الله را بستایند و با حقارت کامل به او تعظیم و سجده کنند و ۳۴ بار پیشانی را بر خاک زمین بمالند... چرا؟ تنها به این جهت که آدمی زنده است و نفس می‌کشد... چرا موجودی که خود هیچ دخلاتی - و حتا رغبتی - در خلق و تولد خویشن نداشته است، باید مرتب ثناگوی خالق موهوم باشد؟ به قول عشقی شاعر ناکام.

خلقت من از ازل یک وصله ناجور بود
من که خود راضی به این خلقت نبودم زور بود
ولی جناب الله به همین موجودی که به گفته‌ی تورات و انجیل و قرآن توسط خودش و بدون تمايل آدمی به وجود آمده است، دستور می‌دهد که روزی ۳۴ بار به من سجده کن. فقط به این دلیل که خلقت کرده‌ام!! «لَا خلقت الجن والانس الا ليعبدون» آیه همین قرآن...
سوره توبه یا برائه

این سوره نامش توبه و یا برائت است؛ و بسم الله... در بالای سوره نیست. مساله نبود بسم الله نیز از آن موضوع هائی است که جای بحث و گفتگو گذاشته است. زیرا اگر سوره‌های قرآن را پس از مرگ حضرت محمد تدوین و تنظیم کرده‌اند پس قرار ندادن بسم الله... کار تدوین کنندگان است و در آن راز و رمزی نیست و لابد از فراموشکاری است. و اگر نبودن بسم الله... جزو اسرار و معجزات است، پس این قرآن به همین صورت و به شکل کتاب از آسمان به سرزمین حجază فرستاده شده و سوره بندیها نیز از جانب الله تنظیم شده است؛ که هم مسخره جلوه می‌کند و هم خلاف ادعای وحی است!!

سوره شامل ۱۲۹ آیه است و در مدینه نوشته شده و بیشتر مربوط به سالهای آخر عمر حضرت است.

محمد کتاب قرآن را بر حسب تصمیم هائی که می‌گرفته و کارهایی که می‌بایست انجام دهد و حوادثی که باید اتفاق بیفتد می‌نوشته و تنظیم می‌کرده است. به هر امری که رغبت پیدا می‌کرده و به هر کاری که مایل به انجامش بوده، از سوی الله اش دستور می‌گرفت و آیه می‌نوشت و اجرا می‌کرد.

طبق آنچه در سوره آمده است، منظور توبه، برگشت و برائت از عهدی است که محمد قبلًا با مردم مکه بسته بود تا آنان به دین خود، و مسلمانان مدینه نیز به دین خود باشند؛ یعنی انجام و قبول آیه مشهور «لا اکراه في الدين...» ولی آن آیه مربوط به زمان ضعف و ناتوانی بود... اکنون حضرت از سوی الله می‌خواهد این عهد را بشکند؛ زیرا تحصیل حاصل شده و اسلام در مدینه و اطراف به امنیت کامل دست یافته و به خوبی نیرومند نیز شده است.

حضرت زمانی دریافت هنوز قدرت لازم برای مقابله با مردم مکه و

اشک تخرّخ در عاشورا

اشکی را که مسلمانان شیعه در سوگ مرگ تازیان از دیده می‌ریزند، اشک پستی و نادانی آنها است، و گرنه در چشم هیچ انسان عاقلی، برای مُردگان کشورهای بیگانه که در بیش از یکهزار و چهارصد سال پیش در اثر شرارت، کسب ثروت و حکومت و زنبارگی گشته شده و زمین را از وجود نامبارک خود پاک کرده‌اند، اشکی جمع نمی‌شود. در این روزهای محرم و عاشورا چشم آن ایرانی که برای دشمنان و گُشتارگران نیاکانش به اشک می‌نشینند، کور شدن کمترین عوض و سزا می‌باشد. پدر و مادرتان می‌میرد به شش ماه فراموش می‌کنید. این چه حماقت شرم آوری است که در تمام عمر خود سالی چندبار برای مرگ آن ده دوازده نفر تازی آشوبگر و ویران کننده ایران اشک ریز شویم، بیهوده‌ترین کتاب را به دست و به سر بگیریم و آه و ناله سردیم. و چه کار ننگینی می‌کنند آن چند تلویزیون دار ایرانی که در این روزها لباس تیره به تن می‌کنند و قیافه غم دار به خود می‌گیرند که در سوگ دشمنان ایران عزادار هستند. هم میهنان گرامی تا شما به این بیگانه پرستان اعتراض نکنید آنها دست از این کار رشت مزدوری برنمیدارند. یک تلفن اعتراضی از سوی هرکدام شما می‌تواند تکانی به مغزهای به گُما رفته آنها بیندازد.

همدردی

با افسوس بسیار آقای دکتر محمد عاصمی فرهنگمدار نامدار ایران در اثر بیماری سرطان جان خود را از دست داد. دکتر عاصمی چندی هم برای «بیداری» می‌نوشت که همواره مورد استقبال خوانندگان بیداری بود. یادش را گرامی و نامش را بزرگ میداریم. در سوگ از دست دادنش با خانواده او به ویژه برادرش آقای محمود عاصمی همدردی می‌کنیم.

به من بگو پیش از تولد کجا بوده‌ای تا به تو بگویم پس از مرگ
کجا خواهی رفت «نیچه»

آیه ۱۲: «وَإِنْ نَكْثُوا إِيمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ، فَقَتْلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّارِهِمْ لَا إِيمَانَ لَهُمْ لَعَلَّكُمْ يَنْتَهُونَ»
«اگر بعد از تعهد، ایمانشان را از دست دادند و به دین شما طعنه زدند، پس به قتل برسانید این ائمه‌ی کفر را تا ایمانشان را نگهدارند و از ترس شمشیر از طعنه دست بکشند»

این است دستور دین اسلام و این است رافت و مهربانی خدای بخشندۀ و مهربان. آری مختصات و مهر و بخشایش الله مدینه همین است که در این سوره به روشنی آمده است. بکشید، بکشید و باز هم بکشید... تا چه وقت؟ تا وقتی که خیال حضرت راحت شود وهیچ انسان مخالفی در اقلیم حکومتش زنده یافت نشود که ایراد گیرد و طعنه زند. آیه ۱۴: «أَنَّهَا رَا بَكْشِيدَ». چون خدا می‌خواهد آنان را به دست شما عذاب دهد، خوار سازد و شما را برآنها پیروز گرداند. و به این ترتیب دل‌های مؤمنین را تسلی بخشد»

دققت کنید در اندازه کینه و نفرت حضرت از مخالفان عقیده‌اش که کشتن شان سبب آسودگی خاطر شده و خرسندی او را فراهم می‌کرده است. روح الله خمینی نیز به همین گونه با مخالفان رفتار می‌کرد و جز مرگ آنان به چیزی دیگر راضی نبود. آیه ۲۲: «اَيِّ مُؤْمِنَانِ! پُدْرَانُ و بُرَادْرَانُ و اَقْوَامُ خُودَ رَا كَه دِينَ شَمَّا رَا قَبْوُلَ نَدَارَنَد، يَارَ خُودَ نَكْيَرِيدَ.

کسانی که آنان را دوست بدارند از ظالمان‌اند»

این است ماهیّت دینی که هواداران فکل کراواتی اش مانند مهندس فلان و شبه آخوند دکتر حسین نصر رئیس انجمن فلسفه‌ی «در رژیم پیشین، آن را دین مسالمت و رافت معرفی می‌کنند؛ و به همین سیاق، خدایش بخشاینده و مهربان است. دینی که کشتن پدر و مادر و اقوام از واجبات است!»

کاظم ملک - فرانسه

دین و هویت

گویا صبری هزاران ساله بایدمان تا بلکه همگان دریابند نه فقط اسلام لعنتی، هر دین و مذهب و آیین قدیم و جدید که همگیشان خواستار «ایمان» کورکورانه مردمانند، در ذات نحوستبارشان حکم واجبی (نوره) ذهن و اندیشه را دارند که کارش زایل ساختن هویت آدمیان است و ایجاد تفرقه‌های خونین و پُر دوام. آن کس که هویتش را بر مبنای «عقیده» اش می‌شناسد و معرفی می‌کند جز مهره بی‌اراده و بی‌بهایی نیست در خدمت «ماشین» های تحقیق مستقر در کارخانه های اربابان و تاجران نان خور از «برکت» وجود ابلهان.

تبارافتادن قطعی بساط ننگین ادیان و ایدئولوژی‌ها، مناسب ترین تعریفی که برای نوع بشر به ذهن من خطور می‌کند چنین است: عنوان «بشر» به شرورترین درنده‌ها اطلاق می‌گردد که مسلح است.

نتگریست، و آن را مانند خود آخوندها از دیدگاه ملت ایران جدی نگرفت، و بکار نرفت.

سپس به شاهنامه تاختند و در آغاز پاگرفتن رژیم، به این بازمانده ارزشمند ما، گستاخی و اهانت شد و گفتند: شاهنامه، تنها به سرگذشت شاهان پرداخته است.

آنها تا بدین پایه آگاهی نداشتند، و ندارند که واژه‌ی «شاه» در کاربرد معنای «بزرگ» بکار می‌رود: مانند: شاهروд، شاهتوت، شاهکار، شاهگر، شاهدز، شاه فنر، شاه نشین، و... و... که در همه‌ی این ساخت‌ها، واژه‌ی شاه، یعنی بزرگ.

واژه‌ی «نامه» (یا، نامک) نیز در زبان پارسی سره، و پارسی پاک، به معنای «کتاب» است. مانند: کاووسنامه، مرزبان نامه، باستان نامه، رستم نامه، کارنامه، فرسنامه، و... و...

فردوسی می‌گوید:

یکی «نامه» بود از گه باستان فراوان بدان اندرون داستان فرخی می‌سراید:

با غ چون مجلس کسرا شده پُر حور و پری

راغ چون «نامه‌ی» مانی شده پُر قش و نگار
براين پایه «شاهنامه» یعنی «کتاب بزرگ»، نه «نامه‌ی شاهان». و آنچه که در این «نامه» ارزشمند است، گذشته از تاریخ قهرمانی و ملی سرزمین ما، پارسی گویی و پارسی سرایی فردوسی است که خواست او، نگهداشت زبان ما بوده است. و چه انگیزه‌ای برای دشمنی آخوند با شاهنامه، بهتر از این؟!

بگذریم. دشمنی رژیم کنونی با ادب ایران، تا بدان پایه رسید که برگذاری «آیین هزاره‌ی فردوسی» در سال ۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ ترسایی) را ناپسند شمرد، و یکی از سخنگویان بالانشین رژیم کنونی ایران، این کار (برگذاری جشن هزاره فردوسی) را یکی از گناهان نابخشودنی رضا شاه! دانست.

آخوند دیگری به روشنی فردوسی را مردی دور از آدمیگری، و کتاب «شاهنامه» را کتاب نیرنگ و دروغ خواند! به همین انگیزه، تا آنجاکه آگاهی دارم، در هیچ یک از کتاب‌های درسی دبستانی امروز ایران نامی و چامه‌ای از فردوسی بُرده نشده است. و فرزندان ایران، در دبستان‌ها از خواندن شاهنامه که پارسی گویی خود را تا اندازه چشمگیری به این کتاب، و امدادارند، برکنار و بی بهره شده‌اند.

دنیاله دارد

خداوند در ده جای قرآن به انسانها لعنت و نفرین (توهین) کرده، آیا مسلمان‌ها به مانیز اجازه میدهند که به خدای آنها لعنت و نفرین (توهین) بکنیم.

دشمنی آخوندها، با زبان پارسی

مانده از رویه‌ی نخست

آنان سود بُرده و به رفتارهای ایرانی و زبان پارسی تاخته‌اند، رده‌ی «آخوند» است. زیرا بزرگترین شناسه آخوند، ضد ایرانی بودن و ضد ملی بودن اوست.

فراموش نمی‌کنیم خمینی در هواپیمایی که او را به ایران می‌آورد، در پاسخ خبرنگاری که از او پرسید: اکنون که پس از پانزده سال به سرزمین خود می‌روید، چه احساسی دارید، به روشی گفت: «هیچ!»

و باز هم فراموش نمی‌کنیم که تنها چهل روز پس از روز شوم بهمن ۱۳۵۷ - همین جرثومه‌ی پلید، در برابر دوربین تلویزیون پدیدار شد و گفت: ما، خون داده‌ایم و سوگواریم، و عید نوروز را برگذار نکنید. و جانوران پیرامون وی از مطهری گرفته تا محمد منتظری، هم به ملیت ما تاختند، و هم به آیین‌های ملی ما.

این گروه «انیران» (غیر ایرانی) پس از سوار شدن برگردی مردم، دستشان بازتر شد، و از دیدگاه‌های گوناگون به آیین‌ها و ادب و زبان ما، تاختند، و در نخستین گام، در سال ۱۳۵۸، زبان تازی را در درس‌های دبستانی و دبیرستانی جای دادند و به آن «توان» سه ضریب‌سه) دادند.

بدین گونه که اگر شاگردی در زبان تازی شماره ۱۷ می‌گرفت، در کارنامه‌ی او، سه بار شماره ۱۷ (۵۱) نوشته می‌شد، ولی اگر در زبان پارسی ۱۷ می‌گرفت، تنها یکبار شماره ۱۷ به کارنامه‌اش می‌رفت.

از این خنده‌آورتر (و یا گریه‌آورتر) آنکه در اصل شانزدهم قانون اساسی شان، همه‌ی دانش آموزان کشور را ناگزیر گردند که در همه‌ی رشته‌های آموزشی، شش سال باید زبان تازی را در برنامه‌های شان بیاموزند.

دو مین تاخت و آسیب آخوند به زبان ما، بستن فرهنگستان زبان پارسی در ماههای آغازین فتنه بود، (که خوشبختانه به انگیزه‌ی فشار سخت مردم و ادب دوستان و فرهیختگان، به ناجار آن را باز گشودند). هرچند که این فرهنگستان به واژه‌های تازی در زبان ما کار ندارد، و تنها به ستیز واژه‌های اروپایی رفته است)

سومین تک و تاخت رژیم کنونی ایران، «ماده یازدهم قطعنامه‌ای است که در کنگره‌ی جهانی!! ائمه جماعات و جمیعه! در تاریخ سیزدهم دیماه ۱۳۶۱ به تصویب رسانیدند.»

به پیروی از این ماده، پیشنهاد شده است که «زبان بین‌المللی کشور ایران، زبان عربی باشد!»

آری، درست خوانده‌اید. زیرا دشمنی آنها با هرچه که به ایران و ایرانی وابسته است، به دیگر سازمان‌ها نیز گسترش یافت، و «سازمان شیر و خورشید سرخ» را هم به «هلال احمر!!!» دگرگون کردند.

ولی خوشبختانه هیچ کس به آن ماده‌ی شرم‌آور ائمه جماعات!!

دکتر احمد ایوانی

دین های «تک خدایی»

رستگاری و جاودانگی را فراهم خواهد ساخت. از آموزش های بزرگ این دین در پندهای، گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک می باشد. اسلام تازه ترین و جوان ترین دین تک خدایی جهان شمرده می شود که پیش از ۶۰۰ سال پس از مسیحیت بنیادگذاری شد، اسلام دینی ترکیبی است که با یهودیت و مسیحیت خویشاوندی بسیار نزدیک دارد. ولی دین خود را بهترین، درست ترین و آخرین دین آسمانی اعلام می کند. اسلام نیز مانند سایر دین های گفته شده پدیده ای است که ساخته و پرداخته اندیشه انسان است. این دین مانند سایر دین ها در اثر گذشت زمان چار دگرگونی های ژرف شده و در آن شاخه ها و فرقه های بسیار پدید آمده است.

شماره های ۱ تا ۲۰ و ۲۱ تا ۴۰ بیانیه ها را در دو جلد به نام خردناهه بیانیه کتاب کرده ایم که هر ایرانی باید این دو جلد خردناهه را در خانه خود، زیر پای شاهنامه فردوسی داشته باشد تا آن را به دست فرزندان خود بسپارد، تا دیگر این بلای حکومت اسلامی را مردم ما تجربه نکنند.
به شماره ۳۲۰-۰۰۱۳ (۸۵۸) تلفن کنید،

تمام دین های تک خدایی از خاورمیانه برخاسته اند و سپس در سراسر جهان گسترش یافته اند. یهودیت یا «یهوداگرایی» که این دین تک خدایی جهان به شمار می رود. در سرزمین های باستانی ترین دین تک خدایی جهان به شمار می رود. در سرزمین های که اندیشه های «یهوداگرایی» جوانه زد پیش از اعتقاد به وجود خدای یگانه اندیشه های بی خدایی و چند خدایی رواج داشت و پیدایش باور داشت های مربوط به وجود «خدای بی همتا» ناگهانی و بدون مقدمه نبود. از ابراهیم به نام بنیادگذار یا نخستین گردآورنده یهودیت یاد می شود - دوران زندگی او بین ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ پیش از زایش مسیح نوشته شده است.

ابراهیم قوم های پراکنده بنی اسرائیل را متحد کرد - از نوہ ابراهیم، یعقوب ۱۲ فرزند پسر بوجود آمد که هر کدام یک قبیله را پدید آوردند. برخی از این قبیله ها ساکن مصر باستان شدند و آنها را به بردنگی واداشتند - حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ سال پیش از زایش مسیح یکی از بزرگان این قوم به نام موسی، قوم خود را از مصر به کنعان یا فلسطین کوچ داد. موسی تدوین کننده یکی از نخستین کتاب های دینی به نام «تورات» است. ده فرمان موسی در این دین جنبه الهامی و آسمانی دارد و یهودیت را دینی قبیله ای نامیده اند که در آن به جنبه های جهانی و چند ملتی توجهی نشده است.

مسیحیت از تجدید نظر در یهودیت پدید آمد. در یهودیت عقیده براین بود که زمانی نجات دهنده بزرگی ظهور خواهد کرد که «مسیحی زمان» خواهد بود که با پیدایش او جهان سرشار از دادگستری و آرامش خواهد شد (این باور غلط در همه دین ها آمده است که هیچگاه انجام نشد - بیانیه) بسیاری از نخستین مسیحیان اصلاح طلب بودند که مسیح را همان «مسیحی موعود» می پنداشتند.

دین زرداشت هم از دین های تک خدایی جهان به شمار می رود. همان طور که یهودیت را می توان «دین قوم بنی اسرائیل» نامید، کیش و آئین زرداشت نیز «دین ملی و باستانی ایرانیان» به شمار می رود بسیاری از تاریخ شناسان دوران زندگی زرداشت را قرن هفتم پیش از میلاد (زایش مسیح) می دانند و برخی دیگر از تاریخ دانان زندگی او را تا ۲۰۰۰ سال پیش از زایش مسیح در نظر گرفته اند کیش و آئین زرداشت در باور داشت های یهودیت، مسیحیت و اسلام آثار بسیار ژرف و گسترده پدید آورد.

زرداشت علیه آموزش های روحانیان زمان خود بپا خواست و با اندیشه های بی خدایی و چند خدایی آنان به مبارزه پرداخت، بنابرگفته زرداشت، رستگاری انسان به دست خود او صورت می گیرد ته به دست روحانیان. مهریانی، راستی و درستی و پرهیز کاری پایه و اساس

اگر در بیرون از آمریکا هستید بروای یاری دادن از راه حساب	بانکی، به آگاهی های زیر نیاز دارید
CHASE	نام بانک
309194-5003	شماره حساب
Bidari	نام DBA
WMSBUS66	Swift code
4111 Governer Dr,	آدرس بانک
San Diego CA 92122	
U.S.A	

در هنگام ریختن پول به حساب بیانیه ذکر نامتنان ضروری نیست، با نام مستعار هم میتوانید انجام دهید.
در درون آمریکا - بانک **CHASE** شماره حساب **U.T.C** شهر Bidari به نام ۳۰۹۱۹۴-۵۰۰۳ درسن دیاگو

بین مطالب قرآن و سخن منطقی همان ارتباط هست
که بین شقیقه و آن صدای مشکوک هست.

نمی توان ظروفی را که در آن غذای گوشتی بوده است برای غذای غیرگوشتی استفاده کرد، چرا که حتی پس از شستن ظروف به ویژه گوشتی، نمی توان آثار گوشت را از تار و پود آن ظرف پاک کرد، حتی با آب جوش جوش، در غیراین صورت حتماً دچار گناه کبیرهای خواهیم شد. ثریا پاستور به نقل از یک بانوی یهودی

«خدایا تو را شکر می‌گوییم که مرا زن نیافریدی» این دعایی است که در ۲۴ ساعت شبانه روز چندین مرتبه توسط مردان متدين یهودی خوانده می‌شود. در حالی که از زبان ریایان می‌شنویم که تورات مقام والایی را برای زن یهودی قائل است.

خواهران عزیز یهودی ام، ملایان به شما دروغ می‌گویند، با مطالعه دقیق تورات پی می‌بریم تورات برای (حمایت از) مردان و ذلیل کردن زنان نوشته شده است. ملایان با وارونه جلوه دادن حقایق تورات می‌خواهند نظر زنان را که پرورش نسل های آینده ملت ما در دست آنهاست به خود جلب نموده تا آنها موجوداتی (فرزندانی) متحجر و بی‌اراده، متعصب و قشری و ناآگاه به اجتماع یهودی تحويل دهنده که دنباله رو هدف های کور آنها باشند....

در تورات پس از آن همه خفت و خواری که نسبت به زن زناکار آمده و حکم او را سنگسار میداند در کجای تورات مردانی را برای رابطه با زن (غیر همسر) به حکم سنگسار مجازات می‌کنند.

عمل زنا در مردان تنها با محارم و زنان شوهردار زنا خوانده می‌شود، گرفتن معشوقه های بی شمار، رابطه با فواحش مجاز بوده و جرمی برای مرد یهودی تعیین نشده است....

چند سال پیش در اسراییل پلیس به یکی از فاحشه خانه های مجللی که توسط باندهای مهاجرین تازه وارد از شوروی سابق تشکیل شده حمله کرد و این خانه را به محاصره درآورد و میدانید در این خانه ها چه مردانی به عیش و عشرت مشغول بوده‌اند، طبق گزارش پلیس، اکثر مردان دستگیر شده مذهبیونی بودند که در منطقه مذهبی نشین یروشالیم زندگی می‌کردند. ولی با اعمال نفوذ مذهبیون در دولت از افشاری نام آنها جلوگیری شد.

آری، برای مرد یهودی عیش و نوش در فاحشه خانه ها جرم محسوب نمی‌شود ولی برای زنی که مورد سوءظن شوهرش قرار گیرد حکمی بی‌رحمانه صادر می‌شود... برای زن یهودی امروز قوانین سه هزار ساله قابل اجرا نیست، ریایان متعصب ما به دخترانی که به سن بلوغ می‌رسند این اجازه را به او نمی‌دهند که به تورات نزدیک شود، چون می‌خواهند به او بگویند تو حق برابری با مردان را نداری و این مردان اند که باید بر تو مسلط و حکم فرما باشند.

ولی این با زن یهودی است که به آنها ثابت کند، او نه دیگر کارخانه بچه سازی است و نه می‌تواند روزش را در آشپزخانه گلات کاشری به شب برساند.

امروز به عهده زن یهودی است که برای حفظ حقوق خود، برای نابرابری مقرر شده در تورات، برای توهینی که هر روز به آنها می‌شود پیاخیزد و مبارزه کند. رفعت‌الله بلور

حروف حساب و تعطیلی یک ماهنامه

چند حرف حساب نویسنده‌گان مجله دنیای یهود باعث به پایان رسیدن انتشار این ماهنامه گردید.

نویسنده‌گان دلیر و روشنفکر یهودی نشریه دنیای یهود چه نوشته بودند که سبب تعطیلی این ماهنامه شد؟ ماهنامه‌ای که هر روز دلیرانه تر به دنیای پوج و بی معنا و دلهره آور ریایان خرد، می‌گرفت و می‌خواست جوانان و نسل آینده یهودی، زندگی بهتر و بی دلهره‌تری را داشته باشد و از تمام انرژی خود برای بهبود کار جهان بکوشد و در گیر جنگ و جدال با سایر احمقان عقب مانده از تاریخ زندگی خود را نبازند و تنها به دانش و انسانیت خویش بنازند نه چیز دیگری.

چند نکته را از نوشهایی که باعث بسته شدن نشریه قدیمی دنیای یهود گردید در زیر می‌خوانید.

مردان دروغین نماینده خدا، ما زن‌ها را به حساب نمی‌آورند و به ما حتی دست نمی‌دهند. به شاگردانشان می‌گویند هر کسی به زن غریبه دست بزند ۲۰ سال از عمرش کم می‌شود، اینجا در کنیساها بین زنان و مردان دیوار می‌کشند و یا پرده‌ای می‌آویزنند تا ما، در خانه خدا هم در نفس باشیم. اما کور خوانده‌اند، بسیاری از ما قفس‌ها را شکسته‌ایم و همگام با مردان آگاه بال در بال همسرانمان به دنیای روشن آینده پر واز می‌کنیم. ما برای ارتباط با خدا واسطه نمی‌خواهیم، ما خود را در عبادت‌گاههای قلابی زندانی نمی‌کنیم تا نشخوار گهنه پرستان تاریک اندیش را بلغور کنیم. ما می‌خواهیم فرزندانمان در گهواره کودکی باشیم و در دانشگاه زندگی با شهد عشق پرورش یابند.... شهین پیکر

در این مقطع زمانی، هریک از ما باید از خود بپرسیم آیا صلاح ماست که راه نبوع و خلاقیت و انسانیت و آزادمنشی آلبرت انیشتین (نابغه دهر) باروخ اسپینوزا، اندیشمند بزرگ را و کوک عارف یهودی را تقویت و پشتیبانی کنیم و یا راه جهل و کور ذهنی و اختناق و استبداد قشریون مذهبی را. دام اوهام و خرافات نه شایسته ماست هر که این دام ندرد به یقین حیوانست. دکتر میترا مقبوله

افسانه‌های پسح و پوریم ابتدا توسط حاخامیم به عنوان افسانه شناخته شده است و حتی در طول ۳۰۰۰ سال تاریخ یهود از آنها به عنوان افسانه یاد شده است، اما امروز عده‌ای افراد قشیرگراگلوی خود را پاره می‌کنند که به این افسانه‌ها جنبه واقعیت ببخشند... تنها مدرکی که در مورد خروج بنی اسراییل از مصر وجود دارد همانا تورات ما یهودیان است و در هیچ کتاب تاریخی دیگر این موضوع دیده نشده است. علاوه بر این افسانه خروج یهودیان از مصر با هیچ عقل و منطقی همخوانی ندارد. خسرو آقا یی

دختر و داماد معتقدند باید مساله جداسازی ظروف گوشتی از ظروف غیرگوشتی مسد در سد رعایت شود، آنها می‌گویند تحت هیچ شرایطی

آمار مسلمانی ما!

در شماره ۴۱ بیداری از هم میهنان خواسته بودیم در تهیه‌ی یک آمار، که درجه مسلمانی ایرانیان را بنمایاند، ما را یاری بدهند، پس از تکرار یکی دو بار دیگر آن درخواست، تعدادی نامه و ایمیل از خوانندگان خود دریافت داشته‌ایم که با بررسی های شان و پرسش از دوستان و فامیل که اگر شما مسلمان هستید، نماز می خوانید؟ روزه می گیرید، خمس و زکوہ میدهید؟ به معاد و نبوت ایمان دارید؟ نتیجه این آمارگیری تا به امروز به شرح زیر از سوی مردم برای انتشار به دست ما رسیده است که البته از بردن نام فرستنده و شرح یک به یک آنها می‌گذریم و آمار کلی را بشرح زیر به آگاهی شما می‌رسانیم.

نتیجه آمارگیری ایرانیان بیرون از کشور.

از هر سد نفر ایرانی ۵ نفر نماز می خوانند، ۳ نفر روزه می گیرند، نیم نفر (یک نفر در دویست نفر) خمس و زکوہ میدهند، ۳۰ نفر به معاد و نبوت باور دارند.

نتیجه آمارگیری ایرانیان درون مرز

از هر سد نفر ایرانی ۳۰ نفر نماز می خوانند، ۲۵ نفر روزه می گیرند، ۳۰ نفر خمس و زکوہ میدهند - ۶۸ نفر به معاد و نبوت ایمان دارند. در کل، می توان گفت مردم ایران با این درجه‌ی بالای از نماز نخواندن و روزه نگرفتن، و خمس و زکوہ ندادن و یا باوری به این سنتی به بهشت و جهنم و نبوت به وضوح نشان میدهد، مردم ایران یک مسلمان واقعی مانند بنگلاداش و پاکستان (کشوری که کثافت از سر تا پایش می‌ریزد نام پاکستان بر خود می‌گذارد!) سوریه و عراق و سودان و لیبی و قطر و امارات و کویت و...، نیستند.

خبرهای محلی

باز هم سفره انداختن خاتم‌های ایرانی ا اگر هزار بار از سفره انداختن بانوی ایرانی می‌گوییم برای آن است که این عمل به گسترش کار آخوندها و ادامه زورگویی اسلام کمک می‌کند زن با شعور و فرهنگ ایرانی هر جا که صدای قرآن به گوشش بخورد ناراحت شده آن مکان را ترک می‌کند. زن با شعور و فهمیده ایرانی سر هیچ سفره‌ای که سخن از دشمنان ایران باشد نمی‌نشیند و شرافت خود را برای چند لقمه غذای مجانی نمی‌فروشد، دور و بر مادر جنوب کالیفرنیا تیمسار (ب) در شهر پالاس وردس - خاتم‌های بیسوساد و عقب مانده (من) در شهر آناهایم و (گ) در (ولی) شهری در شمال لس آنجلس باشد مشغول این کار رشت هستند

اگر خردگرایان بخواهند با مسلمانان همانگونه رفتار کنند که «محمد» با دگراندیشان رفتار کرد، باید تمامی مساجد را با خاک یکسان نمود و یا بر سر مسلمانان خراب کرد.

روز قیامت

تمرکز اصول اسلامی بر روز قیامت است. چندین اصطلاح در قرآن بکار گرفته شده‌اند تا این وحشتناکترین روزها را توصیف کنند. روز رستاخیز، روز فراق و دوری، روز تسویه حساب، روز بیدار شدن، روز پاداش، روز همه‌گیر، یا بشکل ساده‌تر ساعت شوم.

منشاء نهائی تصویر محمد از روز قیامت مسیحیت بوده است این مطالب به شکل آشکارا پندارش را به خود جذب کرده بود زیرا که قرآن پُر از مطالب توصیفی این روز می‌باشد:

این اتفاق با صدای «صورا اسرافیل» نمایان می‌گردد، برهم خوردن نظام سماوات، تبدیل کوهستان به خاکستر، تیره و تار شدن آسمان، به غلیان درآمدن دریاها، دهان باز کردن گورها، که انسان‌ها و جن‌ها برای حسابرسی فرا خوانده می‌شوند. این افراد اعمالشان سنجیده می‌شود، در پیشگاه خداوند محاکمه می‌شوند، و بعد یا به بهشت دائمی فرستاده می‌شوند، یا به عذاب و شکنجه ابدی به جهنم. در قرآن ترساندن از روز قیامت مرتب یادآوری می‌شود بخصوص در آیات آخرین قرآن مردان و زنان دویاره زنده می‌شوند، بدین معنی که رستاخیز واقعی آدم‌ها، به حقیقت خواهد پیوست و شوخي بردار نیست.

میدانیم که این ایده‌ی زنده شدن در تصویر اعراب قبل از اسلام ناماؤس بود چون بسیاری از بت پرستان مکه به این ایده پوچ به دیده تمسخر نگاه می‌کردند. فلاسفه بت پرستان در بحث و جدل شان در مقابل مسیحیان سوالات واردی را مطرح می‌کردند. «چگونه مردگان زنده می‌شوند؟ و با چه شکل و شما ایلی ظاهر می‌شوند؟ آنچه که پوسید نمی‌تواند دویاره تازه شود همچنان اعضاء از هم پاشیده نمی‌توانند بهم پیوند بخورند. بهمین نسبت اجسامی که خورده شدن، نمی‌توانند به صورت اول خود باز گردند. آنهائی را که دریا بلعید، آدم‌هایی که حیوانات وحشی تکه پاره شان کرد، دویاره زمین نمی‌تواند که بازشان گرداند.

تمام اصول بقاء فردی، جاویدان بودن شخص و دویاره زنده شدن افراد، با این اشکال آشکار در تضاد هستند که تمام مردان و زنان می‌میرند، به خاک سپرده می‌شوند، یا سوزانده می‌شوند، و حتی اگرهم به خاک سپرده بشوند، بدنشان سرانجام می‌پوسد - آنچه پوسید، دویاره ترو تازه نمی‌شود.

**جمهوری اسلامی اعلام کرد - ازدواج مؤقت قانونی می‌شود
نام درست ازدواج مؤقت «صیغه» فحشای اسلامی است**

حضرت می شوراند و در هجو اسلام شعر می سرود (توجه فرمائید
عصماء یک زن است)

عمیر بن عدی که چشمش هم شبکور و کم سو بود، در دل شب خود را به خانه عصماء رساند و بر بالین او رفت. تنی چند از فرزندان عصماء کنارش خفته بودند و یکی از آنان شیرخوار بود و سر بر سینه اش داشت. عمیر با دست خود او را جستجو نمود و طفل را از سینه اش دور کرد؛ آنگاه شمشیر خود را بر سینه او نهاد و چنان فشد که از پشتش بیرون آمد. پس عمیر نماز صبح را در مسجد مدینه با پیامبر گزارد و پیامبر از او پرسید: آیا دختر مروان گشته؟ گفت: آری، و آیا گناهی کرده‌ام؟... پیامبر فرمود: در این مورد حتاً دو بزم شاخ به شاخ نمی‌گذارند. (یعنی ارزش این حرف‌ها را ندارد) و این عبارت از آن روز که بر زبان رسول خدا آمد، ضربالمثل شد و پیامبر عمیر را به بینا ملقب فرمود*

مادر شیر ده را در بغل طفل شیرخواره به جرم مخالفت با محمد کشته‌اند و چند بچه را یتیم بی مادر کرده‌اند؛ و در برابر، محمد بر قاتل دعا کرده و او را ستوده است.

تُرور دوم...

«پس آنگاه در ماه شوال که بیستمین ماه از هجرت بود (یک ماه بعد از تُرور نخست) سالم بن عمیر عمری، به قصد ابو عفك یهودی رفت؛ و ابو عفك از بنی عمروین عوف بود؛ پیرمردی ۱۲۰ ساله و یهودی، و مردم را بر رسول خدا می‌انگیخت و شعر می‌سرود. سالم بن عمیر که تنی از گریندگان (۱) بود و در جنگ بدر هم حاضر بود، سوگند خورد و نذر کرد که ابو عفك را بکشد اگر چند که خود نیز در این راه گشته شود. پس مترصد نشست تا آنکه شبی گرم پیش آمد و ابو عفك بستر در جلو خانه انداخت و سالم آگاه شد و نزد او رفت و شمشیر بر جگرگاهش نهاد و سنگینی خود برآن شمشیر انداخت و چندان فشد که در بستر فرو رفت. دشمن خداوند بانگی برآورد و گروهی از همکرانش دویدند و او را به درون خانه کشیده همانجا دفن کردند»

فکر کنم این تُرورها هیچ گونه تفسیری لازم ندارد و همه گواه بر سبیت و توحش بوده و دلیلی است بر قدرت طلبی و عشق به حکومت و نوعی روش سلطانی به شیوه‌ی همان زمان.

— ۱- گریندگان پنج تن بودند که در جنگ تبوک نتوانستند شرکت کنند و به این علت گریستند...!

۳۰۰ سال پیش «نیازی دشتنستانی» روشن‌فکر ایرانی می‌نویسد سه تن آمدند، زندگی انسان‌ها را تباہ کردند - شبانی، طبیبی و شتربانی، و این آخرین از آن دو دیگر مشعبد تر (شیاد تر) بود.

اسلام و تروریسم

ترس و هراسی که سه دهه است بر قسمت اعظم کره زمین سایه افکنده و به نام تروریسم اسلامی مشهور شده است، امری نوظهور نیست و تازگی ندارد و بنایش در ۱۴ قرن پیش همراه با ظهور دین اسلام نهاده شده است. ترور اسلامی و ایجاد وحشت ریشه در آئین حنیف و دین مبین اسلام دارد؛ و حضرت محمد پیغمبر اسلام نخستین کسی است که در دین ابداعی اش بنای ترور را نهاد و دستور حذف فیزیکی مخالفانش را صادر کرد. بدیهی است این یک اتهام نیست بل واقعیتی است که در تاریخ‌ها ضبط و ثبت است.

تُرورهای حذفی که به دستور حضرت محمد پیامبر اسلام و در همان زمان انجام شده، همه در کتاب‌های تاریخی که توسط مورخان مؤمن اسلامی نوشته شده درج است. و این مورخین ضمن احترام فراوان به اسلام و بنیانگذارش حضرت محمد، شرح این تُرورها را در کتاب‌هایشان آورده و در بعضی موارد هم شاید آن را ستوده‌اند. بنابراین بازگوئی و اشاره به این گشتهارها در این کتاب‌های تاریخ، از روی مخالفت با اسلام و یابدگوئی از دین حضرت محمد نبوده بلکه علاوه بر ذکر اتفاقات تاریخی، شاید نوعی کسب افتخار برای دین اسلام هم باشد.

تمام تاریخ نویسان مسلمان مانند طبری و واقدی و محمدابن سعد یک به یک تُرورهای را که حضرت محمد برای حذف فیزیکی مخالفانش دستور فرموده است، در کتابشان آورده‌اند.

«محمد ابن سعد کاتب واقدی» در کتابش به نام «طبقات» در جلد دوم صفحه یک که با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می‌شود، چنین تیتر زده است.

«شماره غزوه‌ها و سریه‌های پیامبر (ص)

ونام و تاریخ آنها

و اموری که در هر یک از غزوه‌ها و سریه‌ها واقع شد»

غزوه جنگی است که حضرت محمد خود شخصاً در آن شرکت فرموده است. و سریه یعنی گشتهاری که محمد شخصاً در آن حضور نداشته است؛ فقط به امر او به انجام رسیده است. البته تُرورهای تکنفری نیز در جزو سریه‌ها قرار می‌گیرد.

تُرور نخست در صفحه ۳۴۲ مجلد دوم در وصفش چنین می‌نگارد: «پس آنگاه، پنج شب مانده از ماه رمضان نوزدهمین ماه از هجرت، عمیر بن عدی بن خرشه خطیمی، به قصد دختر مروان که از بنی امية بن زید بود رفت. و عصماء همسر یزید بن زید بن حصن خطمی بود و همواره اسلام را عیب می‌کرد و پیامبر (ص) را می‌آزد و مردم را بر آن

ریخته می‌شود.

و امروز همچنان، مافیای مذهبی توسط افرادی بهنام ریای، حاخام و پیشوای مذهبی در سراسر جهان به ترویج خرافه و واپسگرایی مشغول هستند و بهنام مذهب، خود را مسئول خوراک، پوشان، رفتار و هرگونه روابط شخصی و خصوصی کل جامعه یهودی میدانند. یکی از نامدارترین این افراد شخصی است بهنام «راب عویدیا یوسف» که خود را رهبر یهودیان جهان میداند و از کارهای افتخارآمیز این آقا ساختن ۱۳۲ باب «مقوه» در اینجا و آنجا برای یهودیان می‌باشد، برای دریافت پول از دولت اسرائیل حزبی سیاسی ساخته، برای تربیت هزاران مفتخر و انگل شستشوی مغزی شده که کارشان رفتن پای دیوار ذکر شده برای نفرین کردن و دشnam دادن به غیر یهودی ها و یا یهودی هایی است که به سان آنها یهودی نیستند. این ها همان هایی هستند که دست مرد منفور یهودی ستیزی چون احمدی نژاد را می‌شارند و او را در آغوش می‌گیرند و آرزو می‌کنند او را (چون سرداری فاتح) در اورشلیم ببینند. هم میهنان یهودی من، اگر به آینده فرزندان علاقمند هستی و دل نگران، خودت تورات را بخوان و آنرا با تعمق مطالعه کن، به تفسیرها و تعبیرهای واپسگرایان قرون وسطی بسته مکن، مزخرفات آنها با شعور بشر اندیشمند قرن بیست و یکم همخوانی ندارد.

● مقوه - حوضچه های کوچکتر از جاکوزی است که با آب باران پُر می‌شود و زن ها پس از دوران «پریود» پیش از رفتن به رختخواب شوهر باید به داخل این حوضچه ها بروند و سر خود را چند بار زیر آب کنند (غسل مسلمانی). موارد بسیاری برای زنان پیش می‌آید که شوهران آنها را از خواب ناز بیدار می‌کنند تا به مقوه بروند و برگردند تا عطش جنسی شوهر را بخوابانند - در همین لس آنجلس چندین مقوه وجود دارد که سدها نفر با بیماریهای گوناگون بداخل آن میروند تا اطاعت امر پروردگار (بخوانید اطاعت امر ریاهای مفتخر) کنند. کمبود و نبود آب باران اجازه نمیدهد که آب مقوه ها را زود به زود عوض کنند.

پرسشی بیشتر مانه - پاسخی جنایتکارانه

از یک مرکز دینی درون ایران بهنام «پایگاه حوزه» یک مسلمان پرسشی بیشتر مانه کرده است:

پرسش: آیا می‌توان به چه شیرخواره را صیغه کرد؟ آیا بعد از عقد می‌توان با او عمل جنسی انجام داد؟

پاسخ جنایتکارانه حوزه به آن ابله پرسش کننده: عقد نکاح دائم و موقت با دختری که به سن بلوغ نرسیده است حتی اگر شیرخواره باشد، با اجازه ولی «سرپرست» او صحیح است!! استمتع جنسی به شرط عدم اذیت و ایندا بعد از عقد کردن ممکن و جایز است: مدارکی را هم که حوزه برای این سخن آورده از کتاب های الفقه علی المذاهب الاربعه جلد ۳ صفحه ۱۶ و توضیح المسائل مراجع جلد ۲ صفحه ۴۴، می‌باشد.

رافائل بن شلمو

کفاره گناهان یا ولیمه‌ای برای مفتخران

خوانندگان گرامی بیداری، این روزها روزهایی بود که ما یهودیان آن را جشن می‌گیریم، چون که باور داریم حدود سه هزار سال پیش، خداوند کتابی را با تأخیر میلیون ها سال که از خلق هستی می‌گذشت توسط موسای شبان پیامبر ما منتشر و به ما هدیه نمود. و جالب است بدانید ده روز بعد از این روز هم روزی است بهنام یوم کیپور که ما بندگان نافرمان به اوامر خداوند با روزهای ۲۶ ساعته به همراه دعا و نیایش و استغاثه و التماس و دادن قربانی از بارگاهش طلب عفو و بخشش می‌نماییم!

داستان نزول یهوه (خداوند) از آسمان و گفتگویش با موسی را به زمانی دیگر و ای گذارم و در این نوشه به دکانی که دکانداران دین از این ماجرا ساخته‌اند به خلاصه اشاره‌ای دارم که مافیای مذهب چگونه با تبلیغات پوج و گمراه کنند، به عنایین گوناگون جیب ساده دلان و مغز شستشو شدگان، نادانان و بالآخر بیماران روانی مفلوک را خالی می‌کنند. آگهی های پُر زرق و برق این ایام را دریسانه ها ببینید، آگهی دهنده گویی مردم را به کنسرت هایده و معین دعوت می‌کند.

در یکی از آگهی های می‌خوانیم، «در این ایام متبرکه برای دعا و نیایش و نزدیکی به پروردگار، در بهترین هتل شهر غرفه‌ای مجلل با تهويه مطبوع برای شما مهیا کرده‌ایم رسایان و پامنیریان خوش صدا با آوازهای ملکوتی خود شما را به عرش اعلا ببرده و به ملکوت الهی نزدیک می‌کنند! و رویدیه برای هر نفر فقط ۲۶۰ دلار!!»

به آگهی دیگر توجه کنید، «طبق سنت گذشتگان کاهنین معبد مقدس در چنین روزهایی، در قربانگاه معبد، قوچ و گاو پروار قربانی می‌کردن و دود کبابش را برای پروردگار به آسمان می‌فرستادند تا گناهانشان را بیخشايد. شما هم قربانی کنید تا از عذاب جهنم رسته و درهای بهشت به رویتان گشوده شود. قربانی برای زنان یک مرغ و برای مردان یک خروس کافی است، قیمت برای انجام هر گشتار فقط ۲۶ دلار و برای کل اعضاء خانواده ۱۲۶ دلار می‌باشد!!». برای صرفه جویی در نوشه، به همین دو آگهی بسته می‌کنم. این دکان های سودجویان مذهبی که به تحقیق نسل جوان و بی خبر مشغول هستند توسط چه کسانی شکل گرفته است؟ با مروری در کتاب تورات فصل پادشاهان و انبیا می‌بینیم، کاهنین از داود پادشاه می‌خواهند برای خدا خانه‌ای بسازد، که او این کار را نمی‌کند، ولی پادشاه بعدی، سلیمان پادشاه خانه‌ای بهنام خانه خدای می‌سازد، خانه‌ای که دهها هزار کارگر بینوا برای ساختن جان باختند و پس از خراب شدن آن به دست رومی‌ها، از آن خانه امروز دیواری (دیوار ندب) بیش نمانده که کعبه آمال ناآگاهان، مفتخران و فنا تیک های دین می‌باشد و تاکنون برای آن، خون میلیون ها انسان بیگناه یهودی و مسیحی و مسلمان به زمین ریخته شده است و هنوز

دکتر پ - ایواندخت

نامه‌های رسیده

* من چهار سال پیش که برای نخستین بار نشریه شما را از فروشگاه سوپر ارواین در اورنج کانتی برداشتیم با خواندن آن شوکه و خیلی عصبانی شدم. شماره بعدی را که دیدم تلفن را برداشتیم و ضمن دادن ناسزا شما را تهدید به مرگ کردم، البته من اهل جنگ و دعوا نیستم، همینطوری برای ترساندن شما حرفی زدم. زمانه گذشت و ناگهان چشم باز کردم اطرافم مردم همه بشکلی ضد دین شده بودند. من نمیدانم چه شد که ناگهان همه ضد اسلام و ضد خدا و ضد پیامبر خدا شدند، همسر خود من هم نماز را یک در میان می خواند امروز که چهار سال از آن ماجرا می گذرد خود من هم به روشنائی که شما ها رسیده بودید رسیده‌ام و وجودتی ناراحت بود که من با شما چنان کرده بودم ضمن پوزش و عذرخواهی از آن تهدید و حرف‌های بدم بدانید که من هر کسی را می بینم تبلیغ بیداری را می کنم و از خودم سرفرازم که توانستم راه درستی را انتخاب کنم و به شما نویسنده‌گان جسور هم افتخار می کنم که هم میهن من هستید. غلام‌رضای پیشین - مازیار کنوی

* هر سال حدود ۲ میلیون نفر ظاهراً از پیروان محمد پسر عبدالله برای سنگ پرانی بسوی شیطان بسوی عربستان می‌روند، اگر هر نفر در این سفر مبلغ ۵ هزار دلار هزینه کند هر سال ۱۰ میلیارد دلار مسلمان‌های نادان هزینه شیطان بازی شان می‌کنند، در صورتی که نیمی از مسلمان‌ها به شغل شریف گدایی در جهان افتاده‌اند.

دوستدار

یاری‌های رسیده

این شماره هم با یاری تنی چند از شما هم می‌هنان بزرگوار به زیر چاپ رفت، شما آگاهانی که میدانید چه می‌کنید و در چه راهی یاری میدهید. دستتان درد نکند که زحمت رفتن به بانک را به خود میدهید که به حساب ما مبلغی واریز کنید و یا چکی را به نام ما به دست پست می‌رسانید و خوشحال می‌کنید دل منتظران و مشتاقان «بیداری» را در سراسر جهان. در یک ماه و نیم گذشته - یک نفر ۲۰۰ دلار - یک نفر ۱۵۰ دلار - یک نفر ۱۴۰ دلار - سه نفر، نفری ۱۰۰ دلار - چهار نفر نفری ۵۰ دلار - یک نفر ۷۰ دلار و تعدادی هم از ۱۰ تا ۳۰ دلار در جمع ۹۵ دلار فرستاده‌اند. کمبود هزینه این شماره با یاری یک دوست ساکن اروپا تأمین گردید که از ایشان بی نهایت سپاسگزاریم.

از مدیو هر فروشگاهی که خرید می‌کنید، بخواهید که بیداری را هم جزو نشایات خود بیاورد. اصرار مکور شما نتیجه خواهد داد.
بگویید با تلفن ۳۲۰-۰۰۱۳ (۸۵۸) تماس بگیرند

«چند پرسش از ایوانیان مسلمان»

- آیا هرگز یک یهودی را دیده‌اید که اسم بچه خود را هیتلر یا آیشمن بگذارد؟
- آیا هیچ ارمنی را دیده‌اید که اسم بچه خود را عثمان بگذارد.
- آیا هیچ زرتشتی را دیده‌اید که اسم بچه خود را - علی - عمر یا محمد یا فاطمه بگذارد؟
- آیا هیچ اسپانیائی را دیده‌اید که اسم پسرش را طارق بگذارد?
- آیا در سراسر دنیا ملتی را یافته‌اید که مثل ایرانی‌ها نام‌های متجاوزین - قاتلان و ویران کنندگان می‌هن خود را روی بچه هایشان بگذارند.
- اگر جواب همه این پرسش‌ها منفی است ما باید تو سرخودمان بزنیم و بپرسیم چرا ما ایرانی‌ها اسامی دشمنان - قاتلان متجاوزین به میهن و تاریخ خود را روی بچه هایمان بگذاریم و بدتر آنکه نام بچه‌ها از غلام و بردۀ بودن متجاوزین است مثل غلام علی غلام حسین.... البته ایرانی‌ها نام‌های عمر و عایشه را روی فرزندان خود نمی‌گذارند ولی سؤال اینست که چه فرقی است بین عمر و علی و حسن و حسین و محمد و همه اعراب متجاوز و کشتارگر ایرانیان، چه فرقی هست بین عایشه و زهرا و فاطمه و رقیه و زینب
آیا ۱۴۰۰ سال خواب بودن کافی نیست، امروز باید بیدار شد که فردا خیلی دیر است.

مغان چه کسانی بودند

مغان یا مغان نامی بوده برای تمام روحانیون مذاهب ایرانیان باستان و منطقه میان رودان مانند بابلی، مادها، میترایس، زروانی، هخامنشیان، مانوی و زرتشتی...
مغان ها قومی از مادها بوده‌اند که وظیفه‌ی انجام دادن تشریفات دینی (ادیان گوناگون) به عهده آنها بوده.
مغان ها جهت نگهداری مقام خود که از نظر سیاسی (در سایر ادیان) رو به ضعف می‌رفتند وارد آیین زرتشتی شدند و باور و رسوم و آداب خود را در دل آیین زرتشتی جاسازی کردند. مغان در انحراف آموزش‌های زرتشت تأثیر بسزایی داشتند، که برای دانستن این تأثیرات باید به بررسی زندگی و فرهنگ مادها پرداخت.
همسان ساختن کیش‌گات‌هایی زرتشت با باور و آیین مغان دلیل بر ناگاهی گوینده آن دارد. زرتشت در یسنای ۵۳ بند یک گات‌ها تأکید می‌نماید که دین همان وجدان یا حس درون بینی و پیرامون نگری است و دینی بهترین است که با بهترین راستی و درستی همراه یا برابر باشد. از مقاله دکتر نجمی - ماهنامه زرتشتیان

سیاهک مهر

اسلام با شمشیر آمده است، با شمشیر هم می‌رود

جريحه دار نکند. که به مقدسات فاشیست‌ها نبایست توهین کرد. و هر نقد و انتقادی از کمونیسم را توهین به مقدسات مردم شمرد. حقیقت این است، تا زمانی که نقد و بازنگری و بازکاری اسلام و قرآن و دین و مذهب با هدف اسلام‌داشی به طور وسیع در سطح جامعه‌ی ایران به عنوان ضرورت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی امروز ما، در همه‌ی نهادهای آموزشی و دانشگاهی و در رسانه‌های عمومی و رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها رواج نیابد، و دغدغه‌ی جمعی و ملی ما نباشد، نخواهیم توانست از این بفرنجی و از این مرحله‌ی گرفتاری تاریخی ایران زمین برھیم.

در جامعه ایران تا هنگامی که ریش و ریشه و پشم و پل مرتعین و متدينین و مؤمنین را تراشیم و شمشیر را از دست آخوند و ملا و مؤمن نستانیم و احترام نهادن به جهل و خرافات و زشت‌ترین اعتقادات اسلام‌زدگان بخواهد همچنان نگرانی ما بوده باشد، هرگز نخواهیم توانست رنگ آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق بشر و پیشرفت و ترقی را در زندگی اجتماعی خود به چشم ببینیم و سهم ما از غرب کماکان همان غریبدگی خواهد بود.

آینده ایران و نجات حوزه‌ی عمومی از تجاوز دینداران و دینکاران، حداقل به عمر چند نسل، نیاز مبرم به استفاده از تمامی ظرفیت‌های آمرانه‌ی مصوبات قانونی و حکومتی داشته و با معاشات و مصالحه ممکن نیست بتوان با خوی تجاوزگر و پرخاش جو و قدرت طلب آخوندها و اسلام فروشان مقابله نمود.

جنبش جامعه‌ی مدنی در ایران، اگر با خود و در درون خود همزمان و همگام جنبش اسلام زدایی را نیز حمل نکند، حرکت ندهد و به پیش نراند، هرگز هیچ راهی به دیهی نخواهد برد. دین فروشان در هرگام و با هر قدم پایش را قلم خواهند کرد.

بزرگترین خطأ و نابخشودنی‌ترین اشتباه، معاشات و تساهل و اتخاذ روش‌هایی پُر از ادا و ژست‌های دموکراتیک در برابر اسلام متتجاوز است.

اگر شاه حجره‌ی چارت آخوندگومند کلفت و عمامه‌گنده را در مدرسه‌ی فیضیه بر سرخان خراب می‌کرد، تمامی سرزمین ایران در تجاوز ۵۷ برسی ملت خراب نمی‌شد به گفته سلمان رُشدی اسلام با شمشیر آمده است با شمشیر هم می‌رود.

آیا مسلمانان خود به مقدسات دیگران احترام می‌گذارند که توقع احترام به مقدسات خود را دارند؟

اسلام از محمد و علی و عمر تا خمینی و خامنه‌ای ابزار و وسیله و بجهانه‌ای برای کسب قدرت و به تبع آن کسب ثروت و مکنت بوده است. اسلام برای اسلام فروشان و آخوندها و دینکاران و تمامی شیادان و شارلاتان‌های تاریخ همواره وسیله بوده است نه مساله. این واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که مشکل و معضل و گرفتاری و بیچارگی ملت ایران همین دین است. همین ابزار تحقیق مردم، همین وسیله سواری گرفتن و صدرنشستن و غارت و مفت خواری علماء و آیت‌الله‌ها.

بنا به همین واقعیت، مبارزه و مخالفت با جمهوری اسلامی از مخالفت با اسلام و انتقاد از اسلام جدا نیست. به عبارتی دیگر، چنانچه اسلام بهانه و وسیله قدرت طلبی و هژمونی خواهی اسلام پیشگان است، پس مسلمان ضرورت دارد که بهانه به دستشان نداد. لازم است که این وسیله را از دست ایشان گرفت.

از سوی دیگر از عقل و منطق به دور است که جمهوری اسلامی را نظام جهل و جرم و جنایت و تبعیض و غارت و شکنجه و اعدام و سنگسار و هزار و یک نکبت اسلامی دیگر بدانیم، اما در عین حال ایدئولوژی راهنمای همین نظام را محترم و مقدس و آسمانی بشمار آوریم و از گل نازک‌تر سخنی سزاوارش نپسندیم. و یا هر زشتی و پلیدی و نامردی در حکومت اسلامی را فقط محصول اعمال افرادی چون خمینی و خلخالی و خامنه‌ای و جنتی و امثالهم به حساب آورده و ایدئولوژی همین حکومت را، اسلام راستین و اسلام مترقبی و دین مبین و دین حنیف بنامیم و بری و پیراسته از هر فساد و فتنه و فاجعه بشناسیم! این تناقض را چگونه حل می‌کنید؟

اسلام هم ایدئولوژی و هم پلتفرم و برنامه عملی و راهنمای عمل حکومت اسلامی بوده است. همگان به خوبی می‌دانیم که پیامبر اسلام بر اساس نص صریح آیات قرآن حکومت تأسیس نمود، نهادهای حکومتی تشکیل داد، خمس و زکات و مالیات اسلامی جمع‌آوری کرد و بهنام اسلام با قبایل و اقوام و ملت‌های دیگر جنگید. پس اگر کسی از اسلام استفاده‌ی ابزاری کرده باشد، نخستین فرد خود پیامبر اسلام بوده است.

این اشتباه مسلم و این سردرگمی و گمگشتنگی و نادانی دقیقاً به این می‌ماند که مقصرو مسبب و باعث و بانی تمامی جنایت‌ها و کوره‌های آدم سوزی و نسل کشی و جنگ ویرانگر دوم را فقط و فقط کردار و رفتار افرادی چون هیتلر و گوبیلز و گورینگ و آیشمن و دیگران بدانیم و ایدئولوژی فاشیسم را دین و آیین مقدس مردم آلمان بشناسیم و دائماً نگران باشیم که خدای نکرده سخنان ما احساسات فاشیست‌ها را

Thinking points for Iranian youth

According to an Imam in Oslo Mosq, under Sharia law of Islam, all the infidels must pay Jaziya (Tax) to the Muslims. Since this does not take place in Norway, the Muslims have right to steal from them. If a Muslim walks into a store and steals a merchandise, according to Islamic Sharia, he has committed a legitimate act. In Denmark Muslims make up 5% of the population but they receive 40% of welfare outlays.

WAKE UP EUROPE!

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013
www.bidari.org-bidari2@Hotmail.com

توضیح ضروری در شماره پیشون بیداری نوشته بودیم (زن مسلمان نمیتواند فرزندی نیکوسرشت استقوست راستگو و مهریان بزاید). از زن مسلمان ندانتر کسی اگر بد نشده است) حقوق از دوستان ایران مسلم و جمشیدجم (تیری) توضیح پیشتری در مورد آن نوشته خواستند که به لگاهی همگان میرسد.... در آن نوشته منظور از زن مسلمان زن مسلمانی است که امروز پس از اینمه روشنگری و اشکار شدن نظر اسلام و قرآن و محمد و علی و پیغمبر اسلام و همه آیت الله ها و همه آنوندها نسبت به زن این زن هنوز میخواهد مسلمان باقی بماند و می پذیرد که چنین دوم حصلب شود و می پذیرد حق ارث او نصف ارث مرد بششد و می پذیرد طبق سوره نسا شورش لو را بزند و می پذیرد اگر پرسنور هم باشد شهنش ارزش شهادت یک آب حوض کش را نداشته بششد و در کتاب دینی اش او را کنیز بناهند و... و... و... و پس از توهین های دیگر را می پذیرد آری چنین زنی نمیتواند فرزندی نیکوسرشت و راستگو و عقل و آگاه تربیت کند . و چنین زنی که لجیازی میکند و میخواهد با این وضع هنوز مسلمان باقی بماند و مسلمان خواهد شود حتیما زنی نادان و نا آگاه است . ومطلقا این ابراد و اتهام به زنان زمانهای گذشته که حق و حقوق خود را نمی داشتند نسبت داده نمیشود و وارد نیست

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

آقای سیامک ستوده در برنامه تلویزیونی خود گفته است «بیداری» ضد عرب و نژادپرست است! به شهادت چندین نوشه در بیداری ها در باره اعراب، بارها اعلام کرده ایم که ما ضد عرب نیستیم و خود عرب ها را قربانی اسلام میدانیم، اگر سخنی از عرب ها در بیداری می رود، عرب های زمان عمر و محمد و علی هستند که به میهن ما یورش بردنده و دین وحشی خود را به زور شمشیر به نیاکان ما پذیرا ندند. و این حق ما است که ناخرسندي خود را از آن تازیان تجاوزگر ابراز کنیم و اندیشه برخاسته از عربستان را یک اندیشه فاسد و عقب مانده بنامیم. عرب هایی که پس از مسلمان شدن ایرانیان پا به عرصه زندگی در کشورهای خود گذاردند به هیچ شکلی مورد انتقاد ما نیستند، آنها همسایگان خوب و دوست مردم ایران می باشند.

من مسلمان نیستم، ایرانیم

فرهنگ ایران هزار بار انسانی تر و ارزشمند تر است از دستورها و قوانین دین های به اصطلاح آسمانی.

U.S. Postage Paid
First Std
P.O. BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A
Permit No. 2129

BIDARI ۵۲۱۳۴
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A